



## مقدمه

یکی از جدی‌ترین انتقاداتی که مخالفان سیاست خاورمیانه‌ای باراک اوباما مطرح می‌کردند، رفتارهای منفعلانه، بی‌عملی و یا تعلل و سردرگمی در تصمیم‌سازی و اقدام در مواجهه با تحولات میدانی در عراق و سوریه بوده است. در حال حاضر، دولت آمریکا در پی دستیابی به یک استراتژی جامع برای مدیریت تحولات در منطقه می‌باشد. از منظر دونالد ترامپ، راهبرد جدید باید با رد هرگونه امکان «سازگاری یا مذاکره» با عوامل تهدیدزا- که گروه داعش بطور مشخص در کانون توجه آن قرار دارد- بر ضرورت «شکست» آن در صحنه نبرد تاکید نماید. در این رویکرد، داعش یک تهدید امنیتی مستقیم برای امنیت و منافع ملی آمریکا محسوب می‌شود و بخش عمده‌ای از سیاست آمریکا در منطقه معطوف به چگونگی تقابل با این گروه تروریستی می‌باشد. گزارش حاضر بر آن است تا ضمن بررسی مهمترین چالش‌های پیش روی دولت آمریکا در عراق و سوریه، سیاست آینده این کشور برای مدیریت تحولات در منطقه را مورد بحث و بررسی قرار دهد.

## مهمترین چالش‌های آمریکا در عراق و

### سوریه

برخی از مهمترین چالش‌های دولت آمریکا در عراق و سوریه عبارتند از:

۱. داعش و القاعده جدی‌ترین تهدید آمریکا در این دو کشور محسوب می‌شوند. مهمترین چالش آمریکایی‌ها در نبرد با این گروه‌ها، یافتن متحدین قابل اتکاء در میان معارضین سوری و گروه‌های عرب سنی در عراق برای پایین نگه داشتن هزینه‌های مقابله با تروریسم می‌باشد.
۲. بدست گرفتن ابتکار عمل در عراق و سوریه و پیشبرد یک استراتژی جامع چندملیتی در مدیریت صحنه‌ی تحولات این کشورها.
۳. آمریکا برای بهره‌گیری همزمان از ظرفیت‌های ترکیه و کردهای سوریه برای مدیریت تحولات داخلی سوریه باید بتواند سطح تنش در مناسبات دو طرف را کاهش دهد.

## بحران سوریه و عراق؛ چالش‌ها و راهکارهای مواجهه‌ی امریکا ۲

۴. شناسایی منابع مالی تروریست‌ها و قطع این دسترسی‌ها<sup>۱</sup>

بسیاری از توصیه‌های راهبردی که تا پیش از این به دولت امریکا در زمینه‌ی نوع رفتار در سوریه و عراق ارائه می‌شدند، عمدتاً بر نکات زیر تأکید داشته‌اند:

● داعش جدی‌ترین تهدید امنیت ملی امریکاست.

● از طریق باز پس‌گیری رقه و موصل، داعش سقوط خواهد کرد.

● ایالات متحده باید عمدتاً از متحدانش برای مقابله با داعش حمایت کند و از درگیری مستقیم اجتناب نماید.

● امریکا باید بطور موقت به منظور شکست داعش، با روسیه و ایران تعامل نماید.

● عمده‌ترین ضربات مستقیم امریکا به داعش، باید از طریق حملات هوایی اعمال شوند.

● امریکا می‌تواند از طریق هدف قرار دادن رهبران القاعده در سوریه، این گروه تروریستی را مدیریت نماید.

● امریکا می‌تواند به سایر بازیگران در حل مشکلات سیاسی در عراق تکیه کند.<sup>۲</sup>

در حال حاضر، وزارت دفاع امریکا در حال تدوین یک استراتژی جامع برای ادامه مبارزه با تروریسم در عراق و سوریه است. این استراتژی به نظر می‌رسد که توانمندسازی و تقویت لجستیکی شتابان نیروهای همسو با امریکا در سوریه را مورد تأکید قرار می‌دهد.

۴. عملکرد دولت سوریه، ایران و روسیه، یکی از چالش‌های جدی در پیشبرد سیاست‌های واشنگتن محسوب می‌شود.

۵. نفوذ ایران در عراق و نزدیکی نیروهای بسیج مردمی این کشور به ایران، می‌تواند موجب افزایش پیچیدگی فضای سیاسی آینده عراق برای امریکایی‌ها شود. لذا تلاش برای تقویت ارتش عراق و کمک به آنها برای کنترل مناطق آزاد شده‌ی سنی‌نشین و تعامل با عرب‌های سنی عراق، حمایت و نزدیکی به دولت العبادی، تلاش برای متقاعد کردن کشورهای عربی منطقه برای مشارکت در بازسازی عراق بعد از جنگ و ممانعت از اینکه شبه نظامیان شیعی نزدیک به ایران بتوانند شمال عراق را به یک پل زمینی میان ایران و سوریه مبدل سازند، می‌تواند فضای کنش‌گری ایران در صحنه‌ی عراق را تا حدودی با محدودیت مواجه نماید.

### استراتژی امریکا در سوریه و عراق

طرح اولیه دونالد ترامپ برای مقابله با داعش در عراق و سوریه بر لزوم شکست این گروه به عنوان سیاست امریکا در منطقه تأکید دارد. این طرح بر چهار فاکتور مهم متمرکز است:

۱. رفع محدودیت‌های داخلی در زمینه کاربرد

اهرم نظامی در مقابله با داعش

۲. کاربرد همزمان دیپلماسی عمومی، عملیات

اطلاعاتی و اقدامات سایبری به منظور منزوی‌سازی و رد ایدئولوژی‌های افراطی

۳. شناسایی شرکای جدید در مبارزه با داعش در

عراق و سوریه و نیز اتخاذ سیاست‌هایی به منظور

تقویت شرکای فعلی

1. <https://www.whitehouse.gov/the-press-office/2017/01/28/plan-defeat-islamic-state-iraq>.

2. Jennifer Cafarella, Kimberly Kagan, Frederick W. Kagan, and the ISW and CTP Teams, "America's Way Ahead In Syria: Recommended Courses Of Action", February 2, 2017, p:11.

استراتژی جدید با تمرکز بیشتر بر واقعیت‌های میدانی عراق و سوریه، درصدد تامین نیازمندی‌های امنیتی بلند مدت ایالات متحده امریکا می‌باشد. شکست یا کاهش قابلیت‌های عملیاتی القاعده و داعش، محدودسازی ایران و کاهش فضا برای اثرگذاری این کشور در عراق و سوریه و تقویت نیروهای عرب سنی در این جوامع به مثابه‌ی یک نیروی موازنه دهنده، احتمالاً از محورهای اصلی راهبرد جدید امریکا در عراق و سوریه خواهد بود. به نظر می‌رسد که امریکا بر آن است تا به جای درگیری مستقیم، از طریق شناسایی و نزدیک شدن به جریان‌هایی در داخل عراق و سوریه و حمایت و تقویت آنها، توازنی میان نیروهای داخلی ایجاد کرده و از این طریق صحنه تحولات در این دو کشور را مدیریت نماید. پشتیبانی و تجهیز نیروهای کرد در سوریه، حمایت و تقویت جوامع سنی در عراق و همچنین تقویت ارتش عراق برای ممانعت از قدرت‌گیری فزاینده شبه‌نظامیان شیعی در آن کشور، اقداماتی در همین راستا ارزیابی می‌شوند. همزمان، راهبرد جدید تلاش می‌کند تا ابتکار عمل در آینده‌ی پس از جنگ در این دو کشور، همچنان در اختیار امریکا قرار داشته باشد.

علاوه بر این، رویکردهای جدید امریکایی‌ها به بحث تروریسم، فراتر از مقابله با القاعده و داعش، به سمت مبارزه با تهدید سلفیت جهادی گرایش پیدا کرده‌اند. تقویت نهادهای دولت عراق برای مدیریت بحران در این کشور و نیز تلاش برای کاهش تنش در مناسبات ترکیه و کردها، جلوگیری از تبدیل این اختلافات به عاملی برای افزایش بحران سوریه و پیچیده‌تر شدن مساله در این کشور و ممانعت از سر ریز بحران عراق و سوریه به کشورها همسایه از جمله

اردن، از دیگر اولویت‌های راهبرد جدید امریکا خواهد بود.

در رابطه با بازیگری همانند جمهوری اسلامی، بنظر می‌رسد که امریکایی‌ها به جای درگیر شدن مستقیم، درصدد محدودسازی و از بین بردن فضای کنش‌گری موثر برای این کشور در عراق و سوریه هستند. به معنایی دیگر، امریکایی‌ها خواهان فرسایش توان ایران و متحدان آن در صحنه‌ی درگیری‌های عراق و سوریه بدون بدست آوردن هیچگونه دستاورد قابل توجه توسط این کشور می‌باشند. همچنین از منظر آنها، منوط کردن انجام تعهدات طرف غربی در قبال توافقنامه اتمی نیز می‌تواند به تغییر رفتار منطقه‌ای جمهوری اسلامی منجر شده و به عنوان یک اهرم فشار و بازدارنده‌ی موثر برای مهار و محدودسازی ایران در عراق و سوریه عمل نماید. بر این مبنا، سیاست آینده‌ی امریکا در ارتباط با جمهوری اسلامی را باید بر اساس الگوی «بازدارندگی و مهار» مورد توجه قرار داد. این الگوی رفتاری دربرگیرنده‌ی دو بعد اساسی خواهد بود:

#### الگوی بازدارندگی و مهار ایران

محدودسازی قدرت ساختاری ایران      محدودسازی قدرت و نقش منطقه‌ای ایران

بنابراین طی سالهای آینده عراق و سوریه، صحنه‌ی اصلی سیاست مهار و کنترل امریکا علیه جمهوری اسلامی خواهند بود. رفتار منطقه‌ای ایران در این دو کشور، به فاکتور و معیاری برای پایبندی یا عدم پایبندی طرف غربی به تعهداتش در قبال توافقنامه برجام مبدل خواهد شد. مکانیسم‌های اجرایی سیاست بازدارندگی و مهار، بر سه محور اصلی متمرکز می‌باشد:

تاکید بر اجرای سخت‌گیرانه برجام از سوی ایران	اعمال تحریم‌های هدفمند و تقویت همکاری با متحدان آمریکا در منطقه به منظور محدودسازی منطقه‌ای و کاهش دسترسی‌های ایران	تعامل محدود در فضای فشار از طریق حفظ مسیرهای ارتباطی مستقیم با بهره‌گیری از تجربه برجام
---	---	---

### نتیجه‌گیری

کار دولت ترامپ قرار می‌گیرد. نگرش دولت آمریکا در شرایط کنونی آن است که حضور قدرتمندانه‌ی آمریکا، ضامن صلح و امنیت خواهد بود. بنابراین بنظر می‌رسد که طی سالهای آینده، عراق و سوریه به صحنه‌ی اصلی قدرت‌نمایی آمریکا و تلاش این کشور برای احیای موقعیت گذشته‌اش در منطقه‌ی خاورمیانه از طریق اصلاح نظم‌های قدیمی و یا ایجاد نظام‌های منطقه‌ای نوین مبدل شوند.

از منظر دونالد ترامپ آنچه موقعیت آینده آمریکا را به عنوان یک بازیگر تعیین‌کننده در سطح نظام بین‌الملل تضمین می‌کند، «حداکثرسازی قدرت» این کشور است. بنابراین یکی از بارزترین شاخصه‌های سیاست خارجی آمریکا در دوران او، تمرکز بر قدرت خواهد بود. حمله موشکی به پایگاه هوایی در سوریه، بمباران هوایی در افغانستان، استقرار سامانه‌های موشکی در کره جنوبی و تقویت ناوگان نیروی دریایی آمریکا در دریای ژاپن، همگی اقداماتی در راستای تحقق چنین سیاستی قابل ارزیابی هستند. عراق و سپس سوریه، فوری‌ترین اولویت سیاست خاورمیانه‌ای آمریکا در شرایط کنونی محسوب می‌شوند. بنظر می‌رسد که آنچه بیش از موضوع شکست داعش در منطقه برای آمریکایی‌ها حایز اهمیت است، بازگرداندن موقعیت برتر و تعیین‌کننده‌ی آمریکا در خاورمیانه است. دولت ترامپ معتقد است که سیاست‌های دولت قبلی این کشور، موجب افول قدرت و موقعیت اثرگذار آمریکا در کانون‌های حساس منطقه‌ای از جمله خاورمیانه شده است و در حال حاضر، حضور داعش در عراق و سوریه، فرصت مناسبی را برای اصلاح و یا تغییر سیاست‌های گذشته برای احیای موقعیت برتر آمریکا در منطقه فراهم آورده است. از این روست که احیا و تقویت عناصر قدرت نظامی، اطلاعاتی و اقتصادی آمریکا در دستور